

شعر آیینی از سه زاویه دید



آرش شفاعی

شعر آیینی در سه دهه اخیر بی شک روند رو به رشدی را طی کرده است. این پیشرفت البته تا حدود زیادی طبیعی بوده است. پس از انقلاب اسلامی گفتمان مذهبی به عنوان وجه قالب ادبیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور همواره مورد توجه مردم و گردانندگان جامعه بوده است و طبیعی است شاعر به عنوان موجودی که از جامعه خود تأثیر می‌گیرد و بر آن اثر می‌گذارد، این تغییر رویکرد را به خوبی و بیش از بقیه اقشار درک کرده باشد و در راستای رفع نیازهای حسی و عاطفی جامعه گام برداشته باشد.

شعر آیینی البته سابقه‌ای طولانی و پشتوانه‌ای بسیار محکم‌تر دارد و نمی‌توان آن را به دهه‌های اخیر منحصر کرد اما بی‌شک در هیچ دوره‌ای از تاریخ ادبیات ایران به اندازه این دهه‌ها نمی‌توان تعداد فراوان شاعران آیینی سرا و شعرهای آیینی قابل قبول را مشاهده کرد.

یکی از اتفاقاتی که در دهه‌های اخیر به گسترش و عمق بخشیدن به شعر آیینی کمک کرد، برپایی جشنواره‌ها و کنگره‌هایی بود که گاه به همت گروهی از مردم و گاه به همت مسولانی که دغدغه‌های فرهنگی داشتند برگزار شد. این کنگره‌ها چون به محفلی برای تجمیع گروه‌های زیادی از شاعران نسل‌های مختلف می‌انجامید در ایجاد ناخودآگاه پیوندهای میان نسلی در حوزه ادبیات و انتقال تجربه‌های شاعرانه نقشی عمده داشت.

در طول دهه‌های اخیر بسیاری از اهل ادبیات، در حوزه‌های مختلف شعر، داستان نویسی و نظریه پردازی دینی، در این شب شعرها حضور یافته‌اند و شب‌های شعر عاشورا توانسته‌است بر آرشپو ادبیات آیینی ما صفحات گران قدری را بیفزاید



شماره ۶۲
آذرماه ۱۳۸۷



ضمن این که برخی دغدغه‌های مالی شاعران با حضور در این کنگره‌ها رفع می‌شد (موضوع اقتصاد هنر و سودآوری و زبان‌دهی ادبیات موضوع مهم اما پنهان مانده‌ای است که به نظر نگارنده مجله شعر می‌تواند در این مسیر روشن‌گری کند. شاعران ما به هر روی دغدغه‌های معیشتی جدی دارند و در صورت فعلی ادبیات به هیچ وجه امری اقتصادی محسوب نمی‌شود.)

این البته وجه قابل قبول کنگره‌های آیینی بود. این کنگره‌ها وجه پنهان‌مانده‌ای هم داشتند و دارند. کنگره‌های ادبیات آیینی در مقطعی به راحت‌ترین وسیله پرکردن برگه‌های انجام وظایف اداری برای مسئولان فرهنگی ریز و درشت تبدیل شد. آنها می‌توانستند با برگزاری یک کنگره و تنها با خرج کردن مقدیری از بودجه‌های در اختیارشان (که چون پول بیت‌المال است، خرج کردنش کاری نژاد) با یک تیر چند هدف را بزنند. اول این که در نامه‌هایشان به مقامات بالاتر، از اقدامات فرهنگی و ارزشی خود گزارشی مبسوط می‌دادند. دوم این که چون برای ادامه خدمت گاهی اندکی ریا هم لازم است، پای‌بندی خود را به ارزش‌ها عملاً ثابت می‌کردند و سوم این که از مقامات عالی‌رتبه محلی دعوت می‌کردند تا به مراسم بیایند و به چشم خود ببینند این مدیر لایق تا چه حد به گسترش فرهنگ و ادب متعهد خدمت کرده است. چهارم این که تا مدتی در رسانه‌ها حاضر بودند و با مصاحبه‌های رنگارنگ نام خود را مطرح می‌کردند و پنجم این که به هر حال دست‌نوازشی بر سر شاعران بیچاره می‌کشیدند و سکه‌ای نثارشان می‌کردند.

این چنین شد که به‌ناگاه کنگره‌های شعری به نام بزرگان دین در چهار گوشه مملکت سر برآورد و شاعرانی برای مدتی کوتاه دبیری کنگره‌ها را بر عهده می‌گرفتند و با چک و چانه زدن با مقامات محلی برای مدتی شهرشان را به محل آمد و رفت شاعران تبدیل می‌کردند و چون کنگره به پایان می‌رسید دیگر نه شاعر محلی از اعراب داشت و نه ادبیات، پای دردل بسیاری از شاعران شهرستان‌ها که بنشینید خواهید دید آنها برای برگزاری یک جلسه نقد شعر یا یک شب‌شعر آبرومند چه مشکلات و منت‌هایی را باید به جان می‌خریدند و همان مدیرانی که در کنگره‌ها سخنرانی‌های غزایی در اهمیت شعر متعهد ایراد می‌کردند، برای پا گرفتن یک نشست کوچک شعری که بار خبری و رسانه‌ای نداشت چه اندازه دست‌اندازی می‌کردند.

کنگره‌های شعر این‌گونه البته مصائبی هم برای شعر در پی داشت. مهم‌ترین ایراد وقتی به وجود می‌آمد که شاعران آیینی، به‌خصوص شاعران جوان، سلیقه شعری کنگره‌ها را با توجه به نوع داوری‌های آنها و ترکیب هیأت داوران، می‌فهمیدند - و با توجه به تکراری بودن داوران این‌گونه جشنواره‌ها، حدس زدن آن کار شاقی هم نبود - و بر اساس سلاقی آنان می‌سروند. جسارت این قلم را باید ببخشید، اما متأسفانه در بسیاری از این‌گونه جشنواره‌ها نیت شرکت کردن‌ها تقرب به ائمه نبود، بلکه ربودن سکه‌ای و سفری به شهری، به یک انگیزه تبدیل می‌شد. به همین دلیل در میان حجم انبوه سروده‌های آیینی دهه‌های اخیر، تکراری بودن فضاها، بیان چندباره همه حرف‌های گفته‌شده و قلت مطالعات دینی و فکری مشاهده می‌شود.

ما در این نوشته با نگاهی به سه نمونه از این‌گونه رویدادهای ادبی آیینی که با خاستگاه‌های دولتی و مردمی برگزار می‌شود، به آسیب‌شناسی هر کدام به‌شکل خاص می‌پردازیم تا به‌مثابه مشت نمونه خروار، جریان کلی جشنواره‌ها و کنگره‌های آیینی را بررسی کرده باشیم.

بسته فرهنگی به جای شب‌شعر

شب‌های شعر عاشورای شیراز، یکی از نمونه‌های قابل بررسی در شعر آیینی است. سه دهه پیش جمعی از شاعران شیرازی به مرحوم فرهنگ، که در شیراز امکانات مالی قابل توجه و چاپخانه‌ای مشهور داشت و از سرسپردگان عشق به ولایت بود، پیشنهاد کردند تا بانی ایجاد جریانی نو در ادبیات عاشورایی با تاسی به سیره اهل بیت (ع) در تکریم شاعران آیینی و ذاکران سیدالشهدا باشد.

«شب شعر عاشورا» این‌گونه پای گرفت و پس از درگذشت مرحوم فرهنگ به پای‌مردی فرزندان او و نیز حاج احد ده‌بزرگی، شاعر آشنای شیرازی، استمرار یافت و اینک در سومین دهه برگزاری به بیست و سومین دوره آن نزدیک می‌شویم.

ده‌بزرگی خود گفته است «شاهدیم که در بعضی از جشنواره‌ها آمار و ارقام بسیار مهم است، از آن جهت که برای برگزارکنندگان منافع مالی و تخصیص بودجه به همراه دارد، اما خوشبختانه ما در شب شعر عاشورا گرفتار این مسائل نمی‌شویم و اصل و نیت قضیه که توسعه شعر عاشورا است را مبنای کار خود قرار می‌دهیم.» این یکی از نکات قابل تأمل در خصوص شب شعر عاشوراست. استوار بودن این رویداد ادبی بر سنت دبیرین و مقدس وقف و دورماندن آن از آسیب دغدغه‌های تأمین مالی و حمایت این ارگان و آن ارگان باعث شده است دست اندرکاران شب‌های شعر عاشورا که خود از عاشقان امام حسین (ع) و در پی ترویج فرهنگ عاشورایی بوده‌اند، در طول سال‌های مختلف به فراهم کردن امکانات جنبی و برنامه‌های مختلف برای عمق بخشیدن به فعالیت خود بیندیشند و البته عمده ثواب این حرکت را باید به حساب حرکت آگاهانه‌ای دانست که بانی این رویداد آغاز کرده است.

در طول دهه‌های اخیر بسیاری از اهل ادبیات، در حوزه‌های مختلف شعر، داستان‌نویسی و نظریه‌پردازی دینی، در این شب شعرها حضور یافته‌اند و شب‌های شعر عاشورا توانسته‌است بر آرشین ادبیات آیینی ما صفحات گران قدری را بیفزاید.

نکته مهم دیگر درباره این شب‌شعرها آن است که خود را در چهارچوب برگزاری یک شب‌شعر چندروزه محدود نکرده است، بلکه شب‌های شعر عاشورا از همان ابتدا به چشم یک رویداد چندوجهی و یک بسته متنوع فرهنگی تعریف شده است.

به همین دلیل بانیان این شب‌شعرها با انتشار کتاب شعرخوانی‌ها و نشریات فرزدق و بهره‌مندی از دیدگاه‌های صاحب‌نظران، برگزاری بخش ویژه شعر دانشجویان و طلاب و ایجاد تغییرات شکلی در برگزاری کنگره و در سال‌های اخیر با میدان دادن بیشتر به حضور جوانان شاعر سعی کرده‌اند از قالب یک شب‌شعر صرف خارج شوند و به حوزه‌های مختلف فکری و معرفتی سر بکشند و حتی برای شاعران جوان ماده خام فکری و سوزه بیابند و شعر آنها را نقد و بررسی کنند.

برگزارکنندگان شب‌های شعر عاشورا در سال‌های اخیر برای شکستن بن‌بست مضمونی در شعر عاشورایی و دور شدن از فضای تکراری در ادبیات آیینی، با انتخاب موضوعات و مضمون‌هایی کمتر مورد توجه، مانند شهدای واقعه طف و نیز رویدادهای عاشورا سعی کرده‌اند توجه شاعران جوان را به سمت حوزه‌هایی متوجه کنند که تاکنون مغفول مانده بوده است. این رویکرد اگرچه در مواردی باعث خلق آثار بدیع و تازه‌ای در حوزه

کنگره‌های ادبیات آیینی در مقطعی به راحت‌ترین وسیله پرکردن برگه‌های انجام وظایف اداری برای مسئولان فرهنگی ریز و درشت تبدیل شد



شماره ۶۳
آذرماه ۱۳۸۷

دولتی بودن و آفت‌های آن

حالا مثالی بزینم از یک کنگره دولتی، تا ببینیم این‌گونه رویدادهای ادبی تا چه حد به سلیقه و حضور مدیران وابسته است. استان کرمان از چندین سال پیش کنگره‌ای استانی را در ایام میلاد امام هشتم (ع) برگزار می‌کرد. با منتقل شدن سیدجواد جعفری، مدیرکل ارشاد این استان به خراسان در دولت قبل، او این کنگره استانی را به مشهد منتقل و در قالبی کشوری احیا کرد.

این کنگره چندسالی در مشهد برگزار شد و در حالی که در حال تبدیل شدن به یک رویداد ملی ادبی و قابل توجه بود، با برپا شدن جشنواره فرهنگی و هنری امام رضا(ع) در سراسر کشور (که در جای خود کاری قابل تحسین است) دوباره به کرمان بازگشت و در کنار جشنواره شعر رضوی، چند جشنواره شعری دیگر همچون جوانه‌های شعر رضوی، شعر ترکی رضوی، مشاعره رضوی و... نیز در این جشنواره پیش‌بینی شد و اعتبار و توجه جشنواره شعر رضوی هر سال کم‌رنگ‌تر شد این در حالی بود که جشنواره شعر رضوی در خراسان رضوی به شکل استانی به کار خود ادامه داد، اما نگاه و توجه ملی به آن، از مشهد به عنوان محل دفن امام رضا(ع) گرفته شد.

عباس ساعی، رئیس شورای شعر خراسان رضوی، با ابراز نارضایتی از شکل کنونی برگزاری کنگره شعر رضوی می‌گوید: باید حلقه ارتباط و اتصالی بین کنگره‌های استانی رضوی و کنگره ملی برقرار شود. ما کنگره استانی را برگزار می‌کنیم، اما برگزیدگان ما به کنگره شعر کرمان راه نمی‌یابند! آنها کار خودشان را می‌کنند؛ فراخوانی می‌دهند و چند نفر را انتخاب می‌کنند و برگزیدگان در اختتامیه جشنواره در کنار برگزیدگان بیست و نه استان دیگر که جشنواره‌های دیگری را برگزار می‌کنند به مشهد می‌آیند.

سؤال اینجاست که برگزاری کنگره در مشهد چه اشکالی داشت که باعث شد کنگره به کرمان برگردد؟ مشخص است برای شاعر رضوی شعرخواندن در مشهد، یعنی شهر امام، اولویت دارد تا در شهری دیگر. از سوی دیگر چرا باید شعر رضوی را به پاره‌های مختلف تبدیل کنیم؟ مشاعره رضوی یعنی چه؟ تب جشنواره‌سازی باعث نمی‌شود که ارزش و اعتبار به دست آمده برای یک کنگره را فدا کنیم؟

همه این حرف‌ها به کنار. فرض کنیم مدیران فعلی کنار بروند. آیا باز باید شاهد باشیم که سلیقه مدیران بعدی برای این حوزه تصمیم بگیرد؟ در این میان کسی از شاعران به عنوان محور ادبیات رضوی سؤال کرد که آیا بهترین جایگاه برای شعر رضوی و آیینی از دیدگاه آنان چیست؟

دعوت

به هر روی، ادبیات آیینی را نباید رویدادی در انحصار و تابع کنگره‌ها و جشنواره‌ها تعریف کرد. این نگاه به نفع ادبیات آیینی نیست، چرا که این نگرش ادبی با عشق و اعتقاد گره خورده است و هر صدمه‌ای به این امتیاز شعر آیینی به ضرر ادبیات و هنر و فرهنگ است.



ادبیات دینی شده است، اما باید پذیرفت که در موارد بسیاری، این سوزها چنان غریب است که سرودن در باره آنها به‌ناگزیر شدیداً کوششی از کار در می‌آید و باید در این زمینه انعطاف بیشتری داشت.

شب‌های شعر عاشورا البته هنوز با شکل آرمانی خود فاصله دارد و باید تا جایی که می‌تواند از آسیب‌های ادبیات آیینی عوامانه و ظاهرسازانه دور بماند، اما به‌عنوان یک فعالیت ادبی متکی به عشقی مقدس و البته حرکت‌آفرین و جریان‌ساز می‌تواند مورد توجه باشد و باید همواره بر ادامه این راه اصرار داشت.

سه روز شعر

خمینی‌شهر، شهر کوچکی است در کنار کلان‌شهر اصفهان، اما ساکنان آن هویت فرهنگی خود را حفظ کرده‌اند و با اتکا به قدرت اقتصادی خوب خود آفریننده یکی از جریان‌های فرهنگی کم‌نظیر در دهه‌های اخیر بوده‌اند. حرکتی ادبی و آیینی که باز هم به دور از سلاطین مدیران دولتی و حمایت و در نتیجه دخالت آنها شکل گرفته است.

هجده سال پیش، جمعی از شاعران و فرهنگ‌دوستان این شهر بنای کنگره سه‌روزه «میلاد آفتاب» را در ایام میلاد امامان سوم و چهارم و حضرت عباس(ع) بنا نهادند و به پایمردی آنان و همت و همراهی مردم شهر، این کنگره امروز به یکی از پرشورترین کنگره‌های ادبی کشور تبدیل شده است.

نکته مهم درباره این کنگره غیردولتی و برآمده از یاری‌ها و مساعدت‌های مردمی، استقبال بی‌نظیر و شگفت‌آوری است که از آن می‌شود. اگر تا به حال به این کنگره رفته باشید (و به‌خصوص در آن شعر خوانده باشید) از این همه حضور کیفی و شعرشناسی مردم شهری کوچک در یک رویداد صرفاً ادبی شگفت‌زده خواهید شد و در تئوری‌های ناامیدانه بحران مخاطب شک خواهید کرد.

کنگره میلاد آفتاب اگرچه به دلیل حمایت مردمی به تأیید و ناز مدیران دولتی وابسته نیست اما منابع درآمدی آن همیشه در دقیقه نود فراهم می‌شود و از سوی دیگر، دست اندرکاران آن نیز خود در آخرین لحظات به فکر شکل‌دهی کنگره می‌افتند و عدم استمرار فعالیت آنها در طول سال باعث می‌شود که کنگره میلاد آفتاب به یک رویداد سه‌روزه صرف تبدیل شود.

نقطه قوت شب شعر عاشورا، نقطه ضعف کنگره میلاد آفتاب است؛ یعنی برگزارکنندگان آن وظیفه خود را در یک کنگره سه‌روزه خلاصه کرده‌اند و آن را به چشم یک بسته فرهنگی قابل بهره‌برداری‌های عمیق‌تر ندیده‌اند و در نتیجه از بسیاری از ظرفیت‌هایی که خود در نتیجه راه‌اندازی کنگره میلاد آفتاب فراهم آورده‌اند (نظیر شاعران جوان مستعد شهرشان، آرشیبوی بی‌نظیر از شعرهای آیینی، امکان ارتباط با شاعران در طول سال، برگزاری شب‌شعرهای مرتبط در طول سال و دعوت شاعران در مناسبت‌های مختلف به خمینی‌شهر، برگزاری مراسم تقدیر از شاعران آیینی در هر سال، انتشار کتاب کنگره و...) غافل مانده‌اند.

نقطه ضعف دیگر کنگره خمینی‌شهر، نامشخص بودن ملاک‌های دعوت از شاعران در هر سال است. به نظر می‌رسد روابط خاص مسئولان کنگره عاملی در دعوت از شاعران باشد، نه ملاک‌های فنی. به همین دلیل کنگره ظرفیت‌هایی را که با دعوت از چهره‌های ادبی تازه برای خود فراهم می‌کند، خود در سال‌های بعد از میان می‌برد.

نقطه قوت شب شعر عاشورا، نقطه ضعف کنگره میلاد آفتاب است؛ یعنی برگزارکنندگان آن وظیفه خود را در یک کنگره سه‌روزه خلاصه کرده‌اند



شماره ۶۳
آرماه ۱۳۸۷